

ساختارهای اجتماعی قاتل امام؛ ساختارهای اجتماعی برانداز نظام^۱

مبحث دوم:

نقش اساسی «امت، جامعه و ساختارهای اجتماعی» در بعثت انبیاء و اوصیاء و تشریح جایگاه «ائمه کفر و نفاق» بر این اساس

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدصادق حیدری

شب دوم محرم

در برخی آیات قرآن، خدای متعال قواعد بسیار مهم و عمومی و شامل بر همه دوران‌های تاریخی را بیان کرده که آیه ۳۶ سوره مبارکه نحل از همان دسته آیات است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» خدای متعال می‌فرماید ما در همه جوامع و امت‌ها رسولی را مبعوث کردیم که جوامع را به توحید دعوت کند و به مردم این حقیقت را برساند که باید از طواغیت و رؤسای جوامعی که خدای متعال به آنها راضی نیست، دوری کنند. این سنت خدای متعال نسبت به همه جوامع و امت‌ها است. این مطلب مؤید نکته مهمی است که در مبحث گذشته بیان شد؛ یعنی در عظمت مصیبت و سوگ سنگین شهادت امام حسین (ع)، پای یک جامعه در میان است. همچنین با استناد به عباراتی از زیارات و روایات بیان شد که اباعبدالله الحسین (ع) در مقابل یک جامعه قرار گرفت و یک جامعه و امت، مسئول کشته‌شدن و شهادت سلاله نبی اکرم (ص) بود. بیان خدای متعال در این آیه شریفه نیز همین مطلب را می‌رساند که در همه جوامع و امت‌ها رسولی برانگیخته می‌شود، زیرا خدای متعال نیز با جوامع سر و کار دارد نه فقط تک‌تک افراد. در واقع اگر هدایت افراد هم مدنظر باشد، باید توجه داشت که افراد به صورت تنها و در خلأ زندگی نمی‌کنند، بلکه در یک جامعه و امت و تحت مدیریت رؤساء و ولات و صاحبانی قرار گرفته‌اند و روابط و ساختارهای اجتماعی ویژه‌ای را پذیرفته‌اند. یعنی وقتی افراد برای هدف مشترکی به دور هم جمع می‌شد و جامعه تشکیل می‌دهند تا زندگی‌شان به جریان بیفتد، باید روابط و ساختارهایی به راه اندازند؛ به‌طور نمونه باید مشخص شود چگونه ثروت تولید کنند؟ چگونه آن را توزیع کنند؟ چگونه قدرت را ایجاد کنند و مناصب را به چه کسانی بدهند؟ چگونه علم و فرهنگ را تولید کنند؟ چگونه توزیع کنند و مردم چگونه آن را مصرف کنند. بنابراین ایجاد جامعه فقط به «دورهم جمع شدن» نیست، بلکه ایجاد امت و جامعه و جریان حیات آن از طریق این ساختارها محقق می‌شود. یعنی علاوه بر آن هدف مشترک، ایجاد

۱. این مباحث با همکاری و مشارکت «حسینیة اندیشه» و هیئت گفتمان انقلاب اسلامی در محرم ۱۳۹۷ و در مسجد اهل‌بیت (ع) واقع در شهر مقدس قم مطرح شده است. جهت دریافت صوت و متن کامل مباحث به پیام‌رسان «بله، سروش و ایتا» به نشانی ذیل مراجعه کنید:

رویه‌های مشترک و روابط مشترک نیز نیاز است. انبیاء نیز در مقابل همین امور قرار می‌گرفتند. انبیای الهی برای هدایت مردم به سوی جامعه‌ای فرستاده می‌شدند که در دست طواغیت و رؤسای مادی‌گرای دنیاپرست و شهوت‌پرست بود. کسانی که خداوند متعال در وصف آن‌ها می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ» (بقره/۲۵۷). اساساً درگیری و چالش انبیاء و اولیای الهی این بود که در مقابل یک جامعه‌ای قرار گرفتند که با تمام اهداف و رویه‌ها و ساختارهای خود به سوی ظلمات در حرکت بوده است و ولی‌خدا برای هدایت مردم راهی نداشته جز این‌که این طواغیت و ساختارهای طاغوتی را بشکند تا مردم آزاد شوند و بتوانند به در خانه خدای متعال بروند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ».

اما امت‌ها و جوامع با این دعوت و بعثت چه برخوردی کردند؟ پاسخ به این سوال، در آیه پنجم سوره مبارکه غافر قابل پی‌گیری است: «وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادُلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ» برخورد تمام امت‌ها با فرستادگان خداوند این بود که کمر همت بر مقابله با فرستاده خدا بستند تا او را بگیرند و بکشند و تبعید و شکنجه کنند یا در انزوا قرار داده و به او ضربه بزنند. پس موضوع بحث خدای متعال در این آیه شریفه، امت و جامعه است. تمامی ابعاد یک امت به صورت همه‌جانبه حمله‌ور شدند تا با باطل و ساختارهای آن، حق را زمین‌گیر کنند. در همین راستا بود که بیان شد جامعه صرفاً جمع شدن افراد نیست. به عنوان مثال، آیا می‌توان گفت «ارتش یا لشکر» یعنی جمع شدن عده‌ای سرباز به دور هم؟! اگر اینطور باشد قطعاً شکست می‌خورند. بلکه ارتش و لشکر، دارای ستاد فرماندهی، قرارگاه، توپخانه، واحد اطلاعات، مخابرات، تدارکات، نیروی هوایی، زمینی و دریایی، مهندسی رزمی و غیره است. البته این امور که نام برده شد ضروریات در زمان جنگ است، غیر از اینها یک ارتش، پادگان‌ها و آمادگاه‌ها و زاغه‌های مهمات زیادی نیاز دارد و باید قبل از جنگ، تمرین‌ها و رزمایش‌ها و آموزش‌های مورد نیاز خود را اجرا کند. جامعه نیز در سطح گسترده‌تر به همین صورت است یعنی روابط و منزلت‌ها و رویه‌های مشترکی وجود دارد که در کنار انسان‌ها جامعه را محقق می‌کند. پس همان‌طور که افراد یک واقعیت انکارنشدنی در تشکیل یک جامعه هستند، این روابط و ساختارها هم واقعیت دارند و الا جامعه شکل نخواهد گرفت. به طور مثال، اگر (خدای ناکرده) تمامی مداحان شهر قم در یک حادثه تروریستی به شهادت برسند، «مداحی» تعطیل نمی‌شود، زیرا این یک منصب و رابطه اجتماعی است که فارغ از افراد، واقعیت دارد و فقط به انسان‌هایی که به آن مشغول هستند، وابسته نیست. لذا در صورت شهادت همه مداحان، افراد دیگری با فاصله‌ای کم جایگزین آنها می‌شوند چون فارغ از مداحان، منصب مداحی نیز یک واقعیت اجتماعی است که در جامعه مورد پذیرش قرار گرفته و به عنوان یک نیاز اجتماعی محسوب می‌شود که باید برطرف شود. پس ساختارها و روابط اجتماعی، واقعیتی مستقل از افراد دارند بلکه افراد را بکار می‌گیرند و به خدمت در می‌آورند.

حال وقتی یک جامعه با تمام هویت خود در مقابل امام حسین (ع) می‌ایستند، یعنی ساختارهای اجتماعی، مردم را به این سمت برده و البته خود مردم نیز این ساختارها را می‌پذیرند: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ». اما چه کسانی مردم را به این سمت بردند؟ چگونه همه‌ی امت‌ها به سوی رسولان الهی حمله‌ور شدند؟ کسانی که حاکم بر ساختارها و روابط

اجتماعی بودند و نحوه ایجاد و بکارگیری آنها را می‌دانستند، مردم را به این سمت می‌بردند: «وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ آمْسُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُّ» در واقع آیه ششم سوره مبارکه ص این حقیقت را توضیح می‌دهد: «ملاً و بزرگان و اشراف و وجوه و چهره‌ها به راه افتادند و به مردم گفتند بر خدای چوبی و سنگی خودتان پافشاری و صبر و ایستادگی کنید این هدف ماست، ما این را از شما می‌خواهیم». باید توجه داشت که جامعه به خودی خود حرکت نمی‌کند. کسانی مسلط بر روابط و منزلت‌ها و ساختارهای جامعه هستند، مردم را به حرکت در می‌آورند. در روایات ذیل این آیه شریفه آمده است که این آیه زمانی نازل شد که پیامبر اکرم (ص) قریش را به اسلام دعوت کرد و قریش به چالش کشیده شدند. یعنی پیامبر اکرم (ص) به تنهایی، جامعه مادی و بت‌پرست و جهالت زده را به چالش کشید به گونه‌ای که آن‌ها به سراغ حضرت ابوطالب (ع) رفتند و شکایت کردند که پسرعمویت به خدایان ما تعرض می‌کند و جوانان ما را فاسد کرده و «فَرَّقَ جَمَاعَتَنَا» یعنی جامعه و جمع ما را متفرق کرده و وحدت اجتماعی ما را بهم ریخته است. حقیقت کار انبیای الهی این است.

اساساً چرا خدای متعال باید رسول بفرستد؟ چون مردم دچار ضلالت شدند. آیا مردم تک‌تک گمراه می‌شوند؟ نه! مردم در یک جامعه زندگی می‌کنند و آن جامعه ولات و صاحبانی دارد که روابط و منزلت‌ها و ساختارهای جامعه را تنظیم می‌کنند و مردم در دام آن می‌افتند. برای تبیین معنای ساختار، می‌توان به این مثال اشاره کرد: جدول‌بندی‌های کنار خیابان باعث می‌شود که در هنگام باریدن باران، آب باران از طریق این جوی‌ها در مسیر مشخصی هدایت شوند. ساختارها نیز با مردم چنین کاری می‌کند. یعنی روستاء و ملاً با کانال‌کشی و جدول‌بندی، مردم را به زندگی مطلوب‌شان هدایت می‌کنند. وقتی این کانال‌کشی‌ها انجام شد و ساختارها شکل گرفت و روابط و منزلت‌هایی بر این اساس ایجاد شد، مردم نیز قهراً در آن فضا قرار گرفته و تبعیت می‌کنند. در نتیجه همه با هم در مقابل اباعبدالله الحسین (ع) صف آرایی کرده و ایشان را به شهادت می‌رسانند و هیچ صدایی از هیچ کجای سرزمین‌های اسلامی نیز بلند نمی‌شود. زیرا همه مردم در کانال‌کشی‌هایی افتاده بودند که ملاً و سرشناسان آن جامعه ایجاد کرده بودند: «وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ آمْسُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُّ» این سران کفر به مردم می‌گفتند: در این مسیر حرکت کنید و صبر و مقاومت نمایید. انبیا و اوصیای الهی نیز دقیقاً همین ساختارها و روابط اجتماعی جوامع مادی و دنیازده را به هم می‌ریزند. کار امام حسین (ع) و حقیقت و پیام عاشورا نیز همین مطلب است.

لذا اگر امروز کسی بخواهد عاشورایی باشد باید بداند چه ساختارها و روابطی به نظام اسلامی ضربه می‌زند. اگر نسبت به این مهم، کوتاهی صورت بگیرد همان ساختارهای جوامع مادی، بر جامعه ما حاکم شده و ضربه زده و براندازی می‌کند. بنابراین نباید در تحلیل چالش‌ها و آسیب‌ها فقط به بررسی افراد پردازیم و نقش اساسی ساختارها را از یاد ببریم. حتی روستاء و ملاً و بزرگان نیز صرفاً یک‌سری افراد نیستند بلکه عناصری هستند که بر اساس تسلط‌شان به روابط و ساختارهای اجتماعی، به منزلت فرمان‌دهی و مدیریت مردم دست پیدا کرده‌اند و جامعه‌شناسان بسیار ماهر می‌باشند که واقعیت ساختارها را به خوبی درک کرده و بکار می‌گیرند.

به طور مثال، شعر در جامعه عرب (هم در زمان جاهلیت و هم بعد از اسلام) نقش مهمی داشت و جامعه عرب، منصب شاعری را به رسمیت شناخته و برای این منصب، روابط و دستگاه‌های فرهنگی ایجاد کرده بود و به همین دلیل بسیاری از وقایع تاریخ اسلام را می‌توان در بین شعرها پیدا کرد. به طور نمونه، وقتی کتاب وقعه صفین می‌خواهد قضایای جنگ صفین را توضیح دهد، اشعار را نقل می‌کند. پس شعر و شاعری، یک منصب فرهنگی در جامعه عرب بود و عده‌ای با شناخت روابط آن می‌توانستند بر فرهنگ جامعه حاکم بشوند و جامعه را به سمت اهداف شرک‌آلود یا ایمانی سوق دهند. البته این طور نیست که همه افراد چنین قدرتی داشته باشند بلکه عده‌ای که قدرت استفاده از شعرا و روابط آن را دارند، حاکم بر ساختارهای جامعه می‌شوند. اینان شخصیت‌هایی خاصی هستند که در قرآن کریم از آنها به «ملا» تعبیر می‌شود.

امام حسین (ع) نیز با همین مسأله درگیر بود. وقتی نامه‌های متوالی و متعدد کوفیان به ایشان رسید، حضرت در پاسخ به این دعوت‌ها، اولین نامه را این طور نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. من الحسين ابن علي ابن ابيطالب الى الملا من المؤمنين و المسلمين». نامه را برای «ملا» می‌نویسد. یعنی بزرگان و کسانی که قدرت‌شان چشم‌ها را پر می‌کند. حضرت می‌داند این افراد هستند که بر ساختارها و روابط اجتماعی کوفه حاکم می‌باشند و مردم نیز به تبعیت از آن‌ها حرکت می‌کنند. اگر این افراد به عنوان صاحبان و به‌کارگیرنده‌گان و مهندسان روابط و ساختارهای اجتماعی با امام هماهنگ شوند و به صحنه بیایند، مردم نیز می‌آیند. لذا حضرت در متن نامه تصریح می‌کند: «قَدْ اجْتَمَعَ رَأْيُ مَلِكِكُمْ وَ ذَوَى الْحِجْبَى وَ الْفَضْلُ مِنْكُمْ...» نامه‌هایتان نشان می‌دهد که ملا و صاحبان عقلانیت در جامعه کوفه می‌خواهند که من به کوفه بیایم و امامت و ولایت‌تان را به عهده بگیرم، لذا مسلم ابن عقیل را می‌فرستم تا اگر رفتار ملاتان مثل همین نامه‌هایی که ارسال کردید باشد فَإِنِّي أَقْدُمُ إِلَيْكُمْ. پس موضوع کار امام حسین (ع)، ملا و کسانی بوده که مهندسان و به‌کارگیرندگان روابط و ساختارهای اجتماعی هستند و همین افراد بودند که با ایجاد یا بکارگیری ساختارهای اجتماعی باطل، باعث شهادت حضرت شدند؛ نه صرفاً چند نفر ظالم. علت شهادت حضرت، حتی آن ۲۰ یا ۳۰ هزار نفری که در کربلا جمع شدند، نبود بلکه یک جامعه و امت با همه ساختارهای خود به امام حسین (ع) هجمه ور شد و حضرت تنها ماند. طوری تنها ماند که امام حسن مجتبی (ع) فرمود: «لا يوم كيومك يا ابا عبد الله».

بر اساس همین مطلب، امام حسین (ع) در مسیر حرکت قیام خود اکثراً همین صاحبان روابط اجتماعی را مخاطب قرار می‌دهد و با آن‌ها صحبت و گفتگو می‌کند. نه اینکه ایشان با افراد عادی صحبت نکردند اما معمولاً در منابر و مجالس فقط به بیان وضعیت افراد عادی و تک‌تک اشخاص می‌پردازیم و اصل مطلب یعنی روابط و ساختارهای اجتماعی و نقش ملا و بزرگان در ایجاد و بکارگیری ساختارها فراموش شده است و براساس همین رویکرد، درس و عبرت‌گیری از قیام عاشورا منحصر به انجام عبادات فردی و ترک محرمات فردی می‌شود. در این وضع است که ساختارهای مادی حتی بر افراد متدین حاکم می‌شود و جامعه را به سمت دیگری می‌برند. بی‌توجهی به این واقعیت اجتماعی، تناسبی با پیام عاشورا و وفای عهد به امام حسین (ع) ندارد زیرا امام حسین (ع) با جامعه و دستگاه‌هایی که جامعه را می‌سازد درگیر شد. اگر بخواهیم فهرستی از این ملا و چهره‌ها و

اهالی باشگاه قدرت و ثروت و علم که همان صاحبان ساختارهای اجتماعی در آن زمان هستند، نام ببریم باید به کسانی اشاره کنیم که حضرت در راه مدینه تا مکه و مکه تا کوفه با آن‌ها گفتگو کردند:

«ابوبکر ابن عبدالرحمان» از فقهای هفت‌گانه اهل مدینه که از شدت عبادت به «راهب قریش» معروف شده بود. او، صاحب روابط اجتماعی در عرصه عقلانیت و علم و فرهنگ بود. فقیه همان جامعه نفاق‌آلود که عقلانیت و نیازهای علمی آن زمان در دست چنین افرادی بوده است. البته نباید تصور کرد که فقط یک شخصیت علمی بوده بلکه دستگاه شاگردپروری داشته و بین مردم دارای مقبولیت بوده است. تسلط او بر ساختارهای فرهنگی و علمی نشان می‌دهد که او با دربار نیز رابطه خوبی داشته است.

«ابو سعید خدری» از صحابی پیامبر اکرم (ص) بود. او در جنگ‌های پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) شرکت داشته است. جزء ملا است که بر روابط اجتماعی در عرصه قدرت و سیاست مسلط بود.

«ابو واقد لیشی» از صحابی پیامبر (ص) که در جنگ صفین نیز در سپاه امیرالمؤمنین (ع) شرکت کرده است. او کسی بود که آنقدر به معاویه ضربه زد که معاویه گفت: اگر پیدایش کنم در گوشه‌های سرب داغ می‌ریزم. او هم از صاحبان قدرت و تسلط بر ساختارهای سیاسی بوده است.

«احنف بن قیس» یکی از بزرگان قبائل بصره است که در جنگ صفین در رکاب امیرالمؤمنین (ع) بوده است. او نیز از صاحبان روابط اجتماعی و ساختارهای امر قدرت و سیاست و رئیس قبیله بنی تمیم بود.

«طرماح» از شعرای معروف بود. روابط اجتماعی و ساختارهای فرهنگی آن زمان در دست امثال او بوده است.

«عبدالله بن جعدت بن هبیره» از جمله کسانی است که به حضرت نامه نوشت و توصیه کرد که به طرف کوفه نرود. او از یاران مختار بود و توانست بخشی بزرگی از خراسان و قندهار را فتح کند؛ یعنی بر ساختارهای نظامی آن زمان مسلط بود.

«عبدالله بن جعفر» نیز فرزند حضرت جعفر طیار و همسر حضرت زینب کبری (س) است که ایشان در جامعه دارای جایگاه سیاسی بوده است.

«عبدالله بن عباس» فرزند عموی پیامبر (ص) که دارای جایگاه سیاسی بوده و در زمان عثمان نیز امیرالحاج بوده و در زمان امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن مجتبی (ع) فرماندار بصره بود؛ یعنی بر ساختارهای قدرت مسلط بوده و مردم را در این عرصه جهت می‌داده است. «عبدالله بن عمر» فرزند خلیفه دوم بوده و همچنین «عبدالله بن مطیع» فرماندار کوفه در زمان زبیریان که از اصحاب قدرت بودند.

«فرزدق» شاعر و اهل امور فرهنگی در جامعه بوده است. «عمره بنت عبدالرحمن انصاری» دختر یکی از انصار و بزرگان مدینه که نبی اکرم (ص) را یاری کرد. البته خودش نیز دانشمند و کثیرالحديث بوده و یکی از خلفای اموی دستور داد روایات او را

حفظ کنید و بنویسید. این خانم هم به حضرت نامه نوشت و گفت نرو. «محمد بن حنفیه» که برادر ناتنی حضرت اباعبدالله (ع) بود و جایگاه سیاسی داشت. «مسور بن مخزومه» برادرزاده عبدالرحمن بن عوف است که هم فقیه بوده و در عرصه ساختارهای فرهنگی و عقلانی آن زمان مشارکت داشته است و هم با اصحاب ثروت و ساختارهای اقتصادی و ثروتمندان همراه بوده است. «یزید ابن اصم» از بزرگان تابعین بوده که ساختارهای فرهنگی را در دست داشته است.

همه این شخصیت‌ها تک‌تک با سیدالشهدا (ع) صحبت کردند و توصیه همگی به حضرت تقریباً یک کلام بود: «این راه را نرو و این مسیر و هدف را پی نگیر». اساساً حضرت سیدالشهدا (ع) با این شخصیت‌ها درگیر بود و بخش بزرگی از خطابات و موضع‌گیری‌های ایشان در قیام خود، متوجه به آنها بود. در واقع امام می‌دانست با آغاز حرکت برای اصلاح جامعه، در حقیقت در مقابل رؤسا و صاحبان ساختارها و روابط و منزلت‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی آن جامعه قرار می‌گیرد. یعنی با روابط ثروت و قدرت و علم و ساختارهای آن مواجه می‌شود. حقیقت قیام بزرگ اباعبدالله (ع) این مطلب است. بنابراین اگر در ایام محرم بر منبر حسینی، بحث ساختارهای اقتصادی جامعه مطرح می‌شود، بحث از حقیقت عاشورا است. اباعبدالله الحسین (ع) با کردار و گفتار خود در برابر ملأ و صاحبان ساختارها و درنهایت با شهادت خود، جامعه نفاق‌زده آن موقع را بیدار کرد.

حال جامعه امروز شیعه گرفتار چه چالش‌ها و آسیب‌هایی هست؟ جامعه اسلامی ما با چه خطراتی مواجه است و چه اموری باعث براندازی نظام اسلامی و نارضایتی و عصبانیت مردم می‌شود؟ یکی از آن چالش‌های اساسی، مسأله افزایش شدید نرخ ارز است و یکی از علل اصلی این افزایش، «نقدینگی» عنوان می‌شود. این نقدینگی، از جمله روابط و ساختارهای اقتصادی است. امروز سرنوشت جامعه شیعه‌ی دوست‌دار و عزادار امام حسین (ع) به نقدینگی و ساختارهای اقتصادی وابسته است. یعنی این مسأله صرفاً یک بحث اقتصادی نیست بلکه بحث عاشورایی است. اگر جامعه‌ای جلوی امام حسین (ع) ایستاد و امام به نحوی تنها شد که جز تعداد اندک، کسی حاضر به یاری حضرت نشد، به این علت بود که مردم را با ساختارهای اجتماعی باطل به عمق ظلمات بردند. البته ساختارهای اجتماعی قاتل امام نیز قطعاً به وسیله افراد خاص (ملأ) بکارگرفته می‌شد و این ساختارها مجرد از افراد عمل نمی‌کردند؛ یعنی یزید و عبیدالله بن زیاد کسانی بودند که امور فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جامعه در دست آن‌ها بود و براساس همین ساختارها می‌توانستند جامعه را به سمت اهداف خود هدایت و کنترل کنند. در واقع این افراد جامعه‌شناس‌هایی بسیار زیرک و ماهری بودند. البته اباعبدالله (ع) نیز با علم الهی به عمق ظرفیت جامعه خود و جامعه‌های قبلی و بعدی در طول تاریخ مسلط بود و می‌دانست به کجا هجوم‌ور شود تا حتی اگر مردم نیز همراهی نکردند اتمام حجت صورت بگیرد.

امروز نیز امتِ دوستدار امام حسین (ع) از ساختارهای اقتصادی و فرهنگی ضربه خورده است. نمونه عینی آن همین مسأله «افت ارزش پول ملی» است. حال اگر مردم به همه‌ی احکام نورانی فردی که روی منبرها به آن توصیه می‌شود عمل کنند، آیا روابط اقتصادی مانند نقدینگی اصلاح می‌شود؟! قطعاً خیر! زیرا در یک جامعه غیر از تک‌تک افراد، ساختارها نیز موضوعیت و هویت دارند و تا محبین اهل بیت بر دگرگونی ساختارهای اقتصادی متمرکز نشوند، این مشکل نه تنها حل نمی‌شود بلکه تکرار

خواهد شد. یکی از دوستان، روز عرفه‌ی امسال (۱۳۹۷) به کربلا مشرف شده بود، می‌گفت هر سال روز عرفه ازدحام زوار به حدی بود که طی مسافت حرم اباعبدالله (ع) تا حرم حضرت ابوالفضل (ع) حدود ۴۰ دقیقه طول می‌کشید ولی امسال ما در فاصله بین این دو حرم، به راحتی قدم می‌زدیم. چون این نقدینگی، قیمت ارز را بالا برده و سفرهای زیارتی کاهش پیدا کرده است. اگر در سال‌های قبل، با طرح مباحث و مشکلات اقتصادی بر منابر در ایام محرم و فاطمیه، اعتراض می‌شد که جای این مباحث در منبر محرم نیست؛ امروز معلوم شده که حتی زیارت امام حسین (ع) — که عشق و هویت همه شیعیان است — به دلار و نقدینگی و ساختارهای اقتصادی وابسته است. پس جامعه شیعه و عزادار باید بدانند ساختارهای اقتصادی امروز چه مشکلی دارد که هر چند سال یکبار جامعه را با افزایش شدید نرخ ارز مواجه می‌کند و ممکن است نظام شیعیانِ دوستدار اباعبدالله (ع) را براندازی کند، نظامی که پرچم امام حسین (ع) را در جهان به اهتزاز درآورده است. باید محبین امام حسین (ع) آگاه شوند که کجای این ساختارها کفرآمیز و نفاق‌آلود است. اکثر مدیران و مسئولین، متعهد و از همین جامعه شیعه هستند ولی ساختارهای اجتماعی آنها را به جای دیگر می‌برد و این افراد نیز در چارچوب این روابط و ساختارها عمل می‌کنند.

اگر خدای متعال فرمود: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا» یا «وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ» و اگر کفار گفتند: «فرق جماعتنا» یا اگر حضرت فرمود: «مِنْ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ إِلَى الْمَلَأِ...» این‌ها همه نشانگر اهمیت و خطیر بودن موضوع جامعه و امت است که الزامات مهمی از جمله ساختارهای اجتماعی را به دنبال خود می‌آورد و باید موضوع بحث همه منابر و همه متدینین و محبین قرار گیرد و تکالیف آنها در این عرصه پیچیده معین شود.

در مباحث آینده این موضوعات مورد تبیین قرار خواهد گرفت که چه ساختارهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی امام حسین (ع) را به شهادت رساند و ساختارهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی که امروز به جامعه شیعه و نظام اسلامی ضربه وارد کرده و ممکن است خطر براندازی را تشدید کند و پرچم حماسی عاشورا را — که توسط این نظام الهی برافراشته شده — پایین بکشد چیست؟ اگر این چالش‌های ساختاری ادامه پیدا کند و مؤمنین برای حل این چالش‌ها، با تکیه بر ایمان خود ساختارهای الهی را ایجاد نکنند و بر اثر این غفلت‌ها به نظام اسلامی ضربه‌ای اساسی وارد شود، امر ظهور حضرت حجت (عج) به تأخیر خواهد افتاد.